فهرست

[خلاصه جلسه قبل 2](#_Toc423214096)

[امرونهی والدین از باب تعلیم و تربیت است 3](#_Toc423214097)

[تحلیل سه‌گانه مسئله 3](#_Toc423214098)

[امرونهی والدین، امرونهی خانوادگی است 4](#_Toc423214099)

[استعمال کلمه امرونهی خانوادگی در آیات و روایات 4](#_Toc423214100)

[الزام و ترجیح در امر خانوادگی 5](#_Toc423214101)

[اجتماع چهار قاعده امرونهی در بعضی موارد 6](#_Toc423214102)

[انواع خطاب امرونهی به فرزندان 7](#_Toc423214103)

[استثناء چهارم از شرط اول مأمور و منهی 9](#_Toc423214104)

[استثناء پنجم از شرط اول مأمور و منهی 9](#_Toc423214105)

[مبحث چهارم در ذیل شرط مأمور و منهی 10](#_Toc423214106)

[جریان شرط بلوغ و عقل در قاعده ارشاد و هدایت و تربیت 11](#_Toc423214107)

# خلاصه جلسه قبل

در جلسه قبل گفتیم: اصل اینکه مأمور و منهی باید مکلف باشد، موردقبول و تقریباً وفاق است؛ اما استثنائاتی به این حکم وارد شده است که آن‌ها را بررسی می‌کردیم. دو مورد از آن استثنائات را ملاحظه کردید و بحث ما در خصوص استثناء سوم است. استثناء سوم این بود که در مواردی اولیاء اطفال مأمور به تعلیم و تربیت و امرونهی فرزندانشان هستند و این امرونهی لازم است درحالی‌که مأمور و منهی بالغ و مکلف نیستند.

بسیاری از این تدابیر و امرونهی‌های امنیتی که اولیا به آن می‌پردازند، در حالی است که طفل هنوز شرایط بلوغ را نداشته و احکام الزامی ندارد ولی اولیاء مأمور به امرونهی هستند. ما دوستان را به بحث‌های مفصلی که در باب مثلاً تربیت عبادی در خانواده مطرح شد، ارجاع می‌دهیم. بخش‌های مختلف تربیت در حوزه خانواده را قبلاً بحث کردیم و آنجا مثلاً می‌گفتیم: آن روایاتی که می‌گوید: وقتی بچه به هفت و هشت و نه سال رسید، این‌ها را به نماز مواخذه کرده و وادار به نماز کنید.

آنجا بحث کردیم که آیا این‌ها تکالیف الزامی است، یا غیر الزامی؟ گفتیم که بخشی از این تکالیف تربیتی الزامی است حتی در شرایطی که بچه هنوز بالغ نیست. البته بعضی موارد هم الزامی نیست و ترجیحی است. در هر صوت ما بر اساس بحث‌هایی که در تربیت خانوادگی بحث کردیم، یک سلسله اقدامات تربیتی بر شخص واجب است، درحالی‌که هنوز فرزند او به بلوغ نرسیده است و یکی از مصادیق آن‌ها امرونهی‌هایی است که انجام می‌دهد. این استثناء سوم می‌شود. پس مواردی از امرونهی داریم که آمر و ناهی به آن‌ها به نحو وجوب و گاهی به نحو استحباب مکلف هستند درحالی‌که مخاطب آن‌ها مکلف نیستند.

# امرونهی والدین از باب تعلیم و تربیت است

این استثناء البته در کنز العرفان‌ هم آمده است و این‌طور نیست که فقط در موسوعه آمده باشد. یک نکته که در نقد این در موسوعه آمده این است که اصل حکم همین‌طور است ولی این هم مثل احکام قبلی از باب امرونهی و با عنوان امرونهی نیست. این از باب تعلیم و تربیت است که پدر و مادر وظایف تعلیم و تربیتی دارند. از باب تعلیم و تربیت است نه به‌عنوان امربه‌معروف و نهی از منکر.

# تحلیل سه‌گانه مسئله

ملاحظه‌ای که باید نسبت به این نکته داشت این است که اینجا مسئله را سه نوع می‌شود تحلیل کرد: (این نکته در حد میانه آن چیزی است که این را می‌گویند یا نقطه مقابل آن چیزی است که در کنز العرفان آمده است)

۱: این امرونهی که نسبت به بچه‌های غیر بالغ انجام می‌دهد، این همان امربه‌معروف و نهی از منکر عام مطلق است و اینجا استثنا خورده است. ولو اینکه طرف بالغ و مکلف نیست ولی اینجا باید امرونهی شود. این‌یک احتمال است که این را کاملاً استثنائی از امربه‌معروف و نهی از منکر عام می‌دانیم.

۲: نقطه مقابل این احتمال می‌گوید: این ربطی به امربه‌معروف و نهی از منکر ندارد. این ظاهر آن چیزی است که در موسوعه آمده است. احتمال اول ظاهر چیزی است که در کنز العرفان آمده است. آنچه در موسوعه آمده می‌گوید: اینجا از باب امربه‌معروف و نهی از منکر نیست بلکه یک عناوین عمومی داریم که یک مصداقش این شده است. این مصداقی از تکلیف دیگری است، نه تکلیف امرونهی.

۳: ملاحظه ما این است که نه این و نه آن؛ اما اولی نیست، برای اینکه بعید است که خطابات عامه **«وَلْتَكُنْ‏ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل‌عمران/۱۰۴)** و امثال این‌ها این را بگیرد. ظاهرش این است که باید طرف مقابل مکلف باشد. بعید است که این‌ها را بگیرد؛ اما این دومی هم که شما می‌گویید: اینجا عنوان امرونهی نیست، این‌طور هم نیست. احتمال سوم می‌گوید: اینجا همان امرونهی خانوادگی است.

# امرونهی والدین، امرونهی خانوادگی است

ما قبلاً گفتیم که امربه‌معروف و نهی از منکر، یک امربه‌معروف و نهی از منکر قاعده عامه اجتماعی و عمومی دارد که برای همه است و یک قاعده امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی دارد. این مربوط به امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی است. در اینجا هم عناوین عامی داریم که این را می‌گیرد و می‌گوید: تربیت کن، تأدیب کن، **«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ نارا» (تحریم/۶)** این‌ها هیچ‌کدام عنوان امر نیست بلکه عناوین عامه‌ای است که حوزه تربیت خانوادگی را می‌گیرد و یکجایی هم مصداقش امرونهی است.

# استعمال کلمه امرونهی خانوادگی در آیات و روایات

علاوه بر این در حوزه تربیت خانوادگی در مواردی هم کلمه امرونهی داریم. ازجمله همین روایات که در باب نماز و روزه است. می‌گوید: **«مُرُوهُمْ‏ بِالصَّلَاةِ[[1]](#footnote-1)»** اینجا امر است. عین همان کلمه امربه‌معروف و نهی از منکری که در خطابات عمومی آمده است ولی اینجا در یک خطاب خاص خانوادگی آمده است. ضمن اینکه در ذیل آیه **«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْليكُمْ نارا»** بنا بر بحث‌های مفصلی که در این آیه انجام دادیم، روایاتی آمده که بعضی معتبر است و آنجا هم عنوان امرونهی آمده است؛ مانند: **«حَسْبُكَ‏ أَنْ‏ تَأْمُرَهُمْ‏ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ.[[2]](#footnote-2)»** این هم به‌عنوان مؤید است.

البته این به‌عنوان مصداق وقایع در آنجا ذکرشده است ولی در روایات دیگری امر داریم. در آیات قرآن ‌هم دیدید که بعضی از آیات، امرونهی خانوادگی بود؛ همانند قصه حضرت لقمان که امرونهی خانوادگی بود و اطلاق هم داشت و غیر بالغ را هم می‌گرفت. **«وَ أْمُرْ أَهْلَكَ‏ بِالصَّلاةِ» (طه/۱۳۲)** هم که در آیات قرآن داشتیم، یکی هم این بود که شامل غیر بالغ هم می‌شد؛ بنابراین عرض ما این است که سه احتمال در اینجا وجود دارد و ما در اینجا اگر استثناء می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که چه می‌گوییم.

# الزام و ترجیح در امر خانوادگی

ما می‌گوییم که امر اینجا نسبت به غیر بالغ هم الزام و هم ترجیح وجود دارد ولی این امر همان امربه‌معروف و نهی از منکر در فضای خانواده است که از تکالیف ویژه است و ممکن است در شرایط هم تفاوت‌هایی با امربه‌معروف و نهی از منکر عمومی داشته باشد که باید آرام‌آرام جلو برویم و ببینیم کجا تفاوت پیدا می‌کند. پس ما در خصوص امرونهی خانوادگی، ضمن اینکه معتقدیم به اینکه امرونهی واجب و مستحب وجود دارد، درحالی‌که طرف مقابل بالغ و حتی گاهی ممیز هم نیست فکیف بالممیز؛ اما این امرونهی دو عنوان دارد:

۱: عناوین عمومی تربیتی که شامل امرونهی می‌شود؛ مثل عنوان **«قُوا أَنْفُسَكُمْ»** و امثال این‌ها که یک مصداقش هم امرونهی است.

۲: به‌طور خاص علاوه بر عناوین عمومی تربیت خانوادگی، امرونهی به معروف و منکر خانوادگی هم یک قاعده‌ای بود که اینجا مصداق دارد و این به‌غیراز قاعده عامه امرونهی عمومی اجتماعی است.

ما چهار قاعده داشتیم که مشمول قاعده بعدی می‌شود. گفتیم که یک امربه‌معروف و نهی از منکر عمومی داریم. یک امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی داریم. یک امربه‌معروف و نهی از منکر عالمان و آشنایان به دین هست که وجهش را گفتیم که منظور از علما اینجا چه کسانی هستند. صرف اینکه یک حکم و مسئله را بداند، عالم نیست. معلم هم در این می‌آید که ادله آن را هم گفتیم. یکی هم امربه‌معروف و نهی از منکر برای امرا و حکومت داریم.

# اجتماع چهار قاعده امرونهی در بعضی موارد

ما چهار قاعده امربه‌معروف و نهی از منکر را قائل شدیم و تفکیک‌های آن را کمی بیان کردیم. خیلی باید جلو برویم تا در جمع‌بندی‌هایمان این‌ها تفکیک‌ها روشن شود. جاهایی که منطبق بر هم می‌شود، آن‌وقت تأکد دارد. درجاهایی ممکن است این چهارتا از هم جدا بشود ولی خیلی جاها بر هم منطبق است و لذا موجب تأکد می‌شود. درواقع ممکن است پدری هم عالم باشد و هم پدر و هم فردی از مجتمع عمومی است و این آدم احیاناً مسئولیت هم دارد. ولی است یا شعبه‌ای از ولایت در او وجود دارد و یا جزء حکومت است. اگر خطایی از بچه‌ای می‌بیند، باید آقازاده را تأدیب کند. در اینجا همه عناوین در یکجا جمع شده است. ولی ممکن است یکجایی هم از جدا بشود. آنجایی که همه یکجا جمع شده است، تأکد دارد؛ یعنی چهار خطاب شامل او شده و تأکد پیدا کرده است.

اگر کسی بگوید: خطابات **«وَلْتَكُنْ‏ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل‌عمران/۱۰۴)** نسبت به ذات معروف اطلاق دارد و ارتکازات در بعضی جاها از آن بیرون برده ولی مثل بحث‌های خانوادگی و آنجا که کسی مسئولیت دارد، از آن اطلاقات هم بیرون نیست. اگر این باشد، آن‌وقت دلیل سومی هم اینجا اضافه می‌شود. این‌یک احتمال است.

# انواع خطاب امرونهی به فرزندان

پس امرونهی که به فرزندان می‌شود، می‌تواند سه خطاب داشته باشد:

۱: با خصوص **«مُرُوهُمْ‏ بِالصَّلَاةِ»** و **«مُرُوهُمْ‏ بِالصوم»** امر کنید. این خطاب خاص امرونهی خانوادگی است.

۲: با خطابات عمومی تربیت، امر کنید. مثل **«قُوا أَنْفُسَكُمْ»** و **«أدّبوهم»** که یک مصداقش امرونهی است.

۳: علاوه بر این دو خطاب که خطاب‌های تربیتی خانوادگی است، حتی خطاب عمومی امربه‌معروف و نهی از منکر اطلاق دارد، بنا بر احتمال دقیقی که جلسه قبل گفتیم و فقط یکجاهایی از آن بیرون رفته است و اینجا از آن خطاب بیرون نرفته است؛ لذا حتی اطلاق امربه‌معروف عمومی هم آن را می‌گیرد.

جلسه قبل گفتیم که دو احتمال داریم: یک‌وقت می‌گوییم که معروف و منکر، یعنی معروف و منکر استغراقی انحلالی، آن‌وقت باید برای او معروف و منکر باشد. آن را در آیه الزاماً واجب گرفتیم و گفتیم: قرینه‌ای دارد که آن امر این را حمل بر وجوب می‌کند. واجب و محرم را یک‌وقتی می‌گوییم، واجب و محرم استغراقی هرکسی. احتمال دیگر که فعلاً قبول نکردیم این است که شارع می‌گوید: ذات این محرم و معروف را می‌خواهد صیانت کند ولو این شخص بالغ نباشد. اگر این را بگوییم، امربه‌معروف و نهی از منکر فرق خواهد کرد و ارتکازی وجود خواهد داشت که آدمی که مکلف نیست، نباید امرونهی کنیم. گفتیم که این ارتکاز دلیل لبی است و محدود می‌کند ولی شاید شامل بچه نشود. یکجاهای ویژه‌ای شاملش نمی‌شود. این‌یک چیز فنی اصولی بود که ما احتمال دادیم و اگر این احتمال باشد، کمی دستگاه بحث را عوض می‌کند.

سؤال: آیا آماده‌سازی بر او واجب است؟

جواب: آماده‌سازی بر او واجب است ولی لازم نیست که هر بار او می‌گوید، بخواند. به بچه چیزی لازم نیست و برای تمرین و ممارست است ولی بر او لازم است که بگوید.

یک‌وقت می‌گویید: این مصداق امربه‌معروف است؛ یعنی فرد است و عنوان امربه‌معروف در خطاب است. در این صورت این را می‌گیرد. یک‌وقت می‌گوییم: عنوان حیلوله دون الضرر است. اینجا مصداق آن است. اینجا دیگر مصداق فرد بالذات آن نیست. امرونهی در خطاب نیامده است. عنوان امربه‌معروف دیگر اینجا نیامده است. یک عنوان دیگری است که این هم مصداقیت برای آن پیدا کرده است.

اینجا این امر هم مصداق بالذات یک عنوان امرونهی خانوادگی است و هم مصداق بالعرض برای عنوان وقایه و تربیت است و هم مصداق بالعرض برای حتی عناوینی از آن قبیل و حتی ممکن است مصداق بالذات کلی امربه‌معروف باشد. آن روایات را دو نوع می‌شود معنا کرد. آن‌ها را آنجا گفتیم. یک‌وقتی روایت وقایه را به امرونهی تفسیر می‌کند که می‌شود مصداق بالذات. یک‌وقت هم بیان مصداق می‌کند ولی چون آنجا حصر کرده، بعید نیست حالت تفسیری داشته باشد. این‌ها را در آنجا گفتیم. این سه استثنا را اینجا بررسی کردیم و شکل کار را گفتیم. محتوا را قبول داریم، دقایق فنی اصولی آن را دقت کردید و ملاحظه شد.

# استثناء چهارم از شرط اول مأمور و منهی

استثناء چهارم که ممکن است در ضرر بگنجد ولی جدا می‌گویم و آنجایی است که غیر بالغ کاری را انجام می‌دهد که به خود او ضرر وارد می‌شود. آن عنوانی که در کنز و امثال آن بود، غالباً اضرار به غیر بود ولی ممکن است این اقدامی می‌کند که اضرار به خودش است؛ دستش یا پایش قطع می‌شود و یا کشته می‌شود. آن‌هم طبعاً جزء استثنائات است؛ یعنی جزء مصداق همان چیزهایی است که لا یرضی الشارع بوقوعه. این بحث می‌تواند مصداق بحث ضرر باشد و خیلی جدا نیست.

# استثناء پنجم از شرط اول مأمور و منهی

استثناء پنجمی که می‌توان ذکر کرد، این است که درجاهایی ممکن است غیر بالغ کاری انجام می‌دهد که اگر امربه‌معروف و نهی از منکر ترک شود، مثلاً هتک حیثیت عالم دین یا یک نوع رواج منکر می‌شود. این بچه کار خلافی انجام می‌دهد که این خلاف امتداد پیدا می‌کند و دیگران از او الگو می‌گیرند یا اینکه اگر او چیزی نگوید، می‌گویند: یک عالم دین در اینجا چیزی نگفت که در این صورت یک وهم و هتکی در اینجا حاصل می‌شود. این‌ها هم مصداق‌هایی است که گاهی پیدا می‌شود.

اینجا هم امرونهی واجب است ولی بازهم نه از باب خطابات کلی به آن معنی بلکه از باب اینکه اگر امرونهی نشود، هتک و رواج باطل است. عناوینی از این قبیل هم ممکن است به‌عنوان عناوین ثانویه، امرونهی را نسبت به غیر بالغ واجب کند. آنجایی که سبکی را درست می‌کند و ضلالی را رواج می‌دهد ولو این‌ها همه بچه هستند. گاهی در مهدکودک یا دبستان‌ همه غیر بالغ هستند، ولی همه مثلاً سرود غنایی را مرتکب می‌شوند.

البته اعمال عرضی و جنسی هم از آن چیزهایی است لا یرضی الشارع بوقوعه و باید جلوی آن را گرفت ولی اگر در آن حد نیست که لا یرضی الشارع بوقوعه علی‌أی‌حال، ولی درعین‌حال چون حجم این‌ها زیاد شده است و یک فرهنگ می‌سازد و تبعات گسترده اجتماعی دارد، آنجا هم باز امرونهی واجب است یا از باب عناوینی مثل جلوگیری از ضلالت و امثال این‌ها و یا حتی بنا بر احتمال ضعیفی که ما در امربه‌معروف و نهی از منکر می‌دهیم که می‌گوییم: معروف یعنی ذات آن اعمال. یکی از این دو علت در این استثنای پنجم هم هست که این هم خیلی مصداق دارد.

بنابراین اگر می‌بینید که بچه‌ها عامل کاری هستند ولی فرهنگ و سنت باطل درست می‌کنند، باید امرونهی کرد. شاید کارشان از گناهان کبیره نیست و صغیره است یا اگر هم کبیره است، از آن‌ها نیست که لا یرضی الشارع بوقوعه علی‌أی‌حال، ولی به دلیل اینکه حجمش زیاد شده است و فرهنگ‌ساز است، باید امرونهی شود. این هم مسئله مهمی است که باید به آن توجه داشت. این هم یک مطلب که مجموعه استثنائات در اینجا مطرح شد. این سه مبحث در ذیل اینجا بیان شد.

# مبحث چهارم در ذیل شرط مأمور و منهی

مبحث چهارم در ذیل این شرط که باید اینجا توجه کرد، همان بحث ممیز و غیر ممیز است. غیر بالغ گاهی ممیز است و گاهی غیرممیز. این بحث‌هایی که گفتیم درجاهایی ممیز و غیر ممیز باهم مشترک هستند. مثل جایی که لا یرضی الشارع بوقوعه. درواقع بخش زیادی از آن چیزهایی که گفتیم، ممیز و غیر ممیز مشترک است. غیر ممیز هم دو گروه است:

۱: کسانی که قابلیت امرونهی دارند و عرفاً می‌شود بگوییم که امرونهی شد.

۲: کسانی که قابلیت امرونهی ندارند و امرونهی آن‌ها بیشتر مثل داد زدن است. همه این‌ها واجب می‌شود ولی آنجایی که امرونهی صدق نکند، عنوانش کمتر است و آنجا که صدق کند عنوان بیشتری دارد؛ بنابراین بخش زیادی از عناوین استثنائاتی که ما اینجا گفتیم، همان‌طور که شامل ممیز می‌شود، شامل غیر ممیز هم می‌شود. در موارد معدودی ممکن است شامل غیر ممیز نشود؛ مثل آنجایی که غیر ممیز هنوز تربیت‌پذیر نیست.

هر جا که حیلولت باشد، در هر دو مشترک است. در «لا یرضی الشارع بوقوعه علی‌أی‌حال» ممکن است درجاهایی فرق بکند؛ یعنی می‌دانیم شارع راضی نیست از ممیز صادر بشود ولی گناهی است که از غیر ممیز مشکلی نیست؛ بنابراین «حیلوله دون الاضرار بالغیر» برای ممیز و غیر ممیز است و «لا یرضی الشارع بوقوعه» تقریباً برای همه است و درجاهایی ممکن است غیر ممیز را نگیرد؛ اما سومی که تعلیم و تربیت باشد، ممکن است درجاهایی غیر ممیز قابلیت تربیت را نداشته باشد یا امرونهی اثری نکند و امرونهی نسبت به او مصداقیتی نداشته باشد و لذا آنجا دیگر مصداق پیدا نمی‌کند؛ بنابراین حکم ممیز و غیر ممیز گرچه عمدتاً مشترک است؛ اما درجاهایی باهم تفاوت پیدا می‌کنند.

# جریان شرط بلوغ و عقل در قاعده ارشاد و هدایت و تربیت

نکته دیگر جریان این مسئله و شرط بلوغ و عقل در قاعده ارشاد و قاعده هدایت و تربیت است. در اینجا علی‌القاعده الکلام الکلام یعنی این سخنی که ما اینجا گفتیم، در مورد آن‌ها هم جاری است. تقریباً کل آن بحثی که مطرح کردیم؛ چه در اصل اینکه شرط است و چه در استثنائات آن، در ارشاد هم جاری است. ارشاد غیر بالغ اینکه احکام به او تعلیم داده بشود، لازم نیست؛ چون تکلیفی ندارد ولی استثنائاتی دارد که عیناً اینجا جاری می‌شود.

علاوه بر آن استثنائات، استثناء دیگری در ارشاد هست و آن این است که غیر بالغی که در آستانه بلوغ است و باید یادش داد که در اول بلوغ بتواند انجام بدهد، آن ارشاد از باب مقدمه مفوته با آن تخریج فنی که در اصول داریم واجب می‌شود. چند وجه فنی در اصول دارد و به هر وجهی که آنجا بگوییم، اینجا اجرا می‌شود؛ بنابراین آموزش دادن که ارشاد جاهل است برای غیر بالغ واجب نیست ولی استثنائاتی دارد که همان استثنائات قبلی اینجا هست به‌اضافه ارشادی که لازمه این است که اول تکلیف به وظایفش عمل کند، ولو غیر بالغ است، باید یادش بدهد؛ چون می‌داند اول تکلیف مبتلابه آن است و اگر آن‌وقت بخواهد یادش بدهد، تکلیفی از دستش می‌رود لذا باید از قبل آماده کرد.

در قاعده هدایت و تربیت هم الکلام الکلام؛ بنابراین هم اصل شرط و هم استثنائات آن در سه قاعده ارشاد جاهل، هدایت و تربیت و امربه‌معروف و نهی از منکر جاری است. در امربه‌معروف و نهی از منکر هم چه امربه‌معروف و نهی از منکر خانوادگی و چه عمومی در هر دو جریان دارد. این مجموعه مباحث این شرط بود. طبق موسوعه که پیش بروید، شرط بعدی تنجز تکلیف بر مکلف است که ناظر به چند مسئله مهم است و بحث‌های بیشتری دارد.

1. **بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج‏۸۵؛ ص ۱۳۳** [↑](#footnote-ref-1)
2. **وسائل الشيعة؛ ج‏۱۶؛ ص ۱۴۸** [↑](#footnote-ref-2)